

## بهره گیری از اعجاز مدیریتی قرآن در مواجهه با تحریم

عزت الله مولایی نیا<sup>۱</sup>، محسن ساکت<sup>۲</sup>، سعید روشی<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه قم (نویسنده مسئول)

<sup>۲</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه قم

<sup>۳</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه قم

### چکیده

موضوع اعجاز مدیریتی قرآن در مواجهه با تحریم ها یک موضوع نو در زمینه های مدیریتی است که در ادامه به چگونگی برخورد با تحریم ها طبق کلام الهی میپردازیم. با پیگیری مسئله مدیریت در قرآن و با توجه به اینکه مفهوم مدیریت به خودی خود فایده ای نخواهد داشت و کارساز نخواهد بود در همین راستا برای پیاده سازی نیاز به مفاهیم و اصول مدیریتی دارد، لذا در این مقاله ضمن تعریف تحریم در ادامه بر ضرورت تدوین این نظریه و اهمیت مسائل مدیریتی و اقتصادی بر اساس آیات قرآن کریم میپردازیم، و پس از ارائه شیوه های مدیریت تحریم از منظر قرآن، یک چهار چوب کلی و قوانینی راجع به نحوه برخورد با تحریم ها بیان نموده و پس از آن به نتیجه گیری خواهیم پرداخت.

**واژه های کلیدی:** قرآن، اعجاز مدیریتی، تحریم، اقتصاد، حفیظ، علیم، ایمان.

## مقدمه

حوزه علوم انسانی در مبحث اعجاز قرآن از بحث های نوظهور پژوهشگران قرآنی معاصر است که عمدتاً در دهه های اخیر مطرح شده و مورد تحقیق و بررسی دانشمندان و قرآن پژوهان قرار گرفته است. تمایز علوم انسانی با دیگر علوم در این است [رضایی اصفهانی، ۱۳۹۲] که :

۱. موضوع علوم انسانی در مورد اختیار و قدرت تصمیم گیری انسان باشعور است.

۲. هدف اصلی علوم انسانی شناخت رفتارها و روابط انسانها با توجه به اراده و اختیار انسان.

۳. محیط آزمایش علوم انسانی کمتر قابل کنترل است و بیشتر از روی توصیفی و تفسیری استفاده می شود.

۴. نظریه های علوم انسانی بیشتر ذهنی و استنباطی است تا اینکه مورد آزمایش قرار گیرد و با واقعیت تطبیق یابد.

۵. هدف قرآن (هدایت و تربیت) همخوان تر با علوم انسانی است و این علوم در سرنوشت انسان تاثیر بسزایی دارد.

در مبحث مفهوم شناسی اعجاز مدیریتی قرآن در حوزه علوم انسانی سه احتمال را می توان مطرح کرد:

الف) گزاره های مدیریتی مطرح شده در آیات قرآن قبل از کشف آن در دانش مدیریت، که نوعی رازگویی علمی قرآن است وزیر مجموعه اخبار غیبی قرآن قرار میگیرد.

ب) نقش تاریخی اعجاز گونه قرآن در تحول مدیریتی جامعه عرب عصر جاهلی. البته این نقش قرآن در هر جامعه به همان اندازه ای که قرآن اجرا شود قابل مشاهده و بررسی است، یعنی این بعد از اعجاز قرآن در هر عصر و نسل جدیدی قابل تکرار است.

ج) نظام مدیریتی قرآن که به صورت موضوعی از آیات قرآن قابل استنباط است، نظامی که دارای مبانی، اصول و روش های خاص خویش است و میتواند برتری خود را بانظام های رقیب به اثبات برساند. مثلاً نظام مدیریتی قرآن، مبتنی بر ولایت و اطاعت و مشروعیت از بالا به پایین است. هر چند مقبولیت بر اساس رای مردم است (...أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ...). ترجمه: (خداوند را اطاعت کنید و فرستاده ی خدا و صاحبان امر خودتان را اطاعت نمایید). اما در نظام های مدیریتی رقیب مثل دموکراسی، مشروعیت و اطاعت از پایین به بالاست، یعنی رای مردم است که به رهبری و مدیریت جامعه اعتبار می بخشد و رهبر و مدیر جامعه باید تابع نظر مردم باشد. نظام مدیریتی قرآنی در عصر پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) و نیز در عصر حاضر -در نظام ولایت فقیه در ایران- کارآمدی خویش را نشان داده است.

## مفهوم شناسی اعجاز مدیریتی قرآن

مدیریت در لغت به معنای مدیر بودن و مدیریت است [عمید، ۱۳۶۳] و در اصطلاح برای آن تعاریف گوناگونی ارائه شده است. برخی آن را هنر دانسته و گفته‌اند: هنر مدیریت عبارت است از هدایت، ایجاد هماهنگی و نظارت بر تعداد زیادی از افراد، برای نیل به هدف یا مقصودی معین [گولد- کولب، ۱۳۹۲] و بعضی آن را ترکیبی از علم و هنر دانسته و گفته‌اند: مدیریت علم و هنر متشکل و هماهنگ کردن، رهبری و مهارت‌های دسته‌جمعی برای نیل به هدفهای مطلوب با حداکثر کارایی [نبوی، ۱۳۹۵]. برخی دیگر آن را روش و تکنیک اداره امور دانسته و گفته‌اند: مدیریت، عبارت است از کاربرد تکنیک‌های مختلف برای اداره امور یک گروه انسانی و هماهنگ نمودن کلیه فعالیت‌های یک سازمان برای نیل به هدف معین و مشخص، و راهنمایی و راهبری رهبران سازمان که آنها را مدیران و یا سرپرستان می‌نامند. [نبوی، ۱۳۹۵] در اینجا صرف نظر از اینکه مدیریت، هنر است یا علم و هنر یا روش و تکنیک‌های خاص اداره امور، مجموعه اطلاعاتی که از آیات قرآن درباره آن قابل استفاده است جمع‌آوری شده و از واژه‌های «امام»، مشتقات «ولی» و جملاتی مانند «ان الله يأمرکم ان تؤدّوا الأمانات إلی أهلهآ» استفاده گردیده است. [هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۳] منظور از اعجاز مدیریت، وجود آیات و آموزه‌هایی در قرآن است که مطالب و دقایق علمی را در قلمرو مسائل و موضوعات دانشی سازمان و مدیریت مطرح کرده‌اند؛ اعم از مطالب علمی ای که تا کنون از سوی دانش کشف و تبیین شده است و به تعبیری دیگر منظور این است که قرآن کریم از زمان نزول تا کنون در حوزه مدیریت و رهبری انسان و جامعه، کارکرد اعجاز گونه داشته و جلوه‌هایی از اعجاز خود را در پرورش مدیران، نهادسازی و هدایت و رهبری نهاد ها و سازمان ها به اثبات رسانده است. [رضایی اصفهانی، ۱۳۹۲]

## مفهوم شناسی تحریم

تحریم یا سانسشن (Sanction) فعالیتی است که به وسیله یک یا چند بازیگر بین‌المللی به عنوان مجری تحریم، علیه یک یا چند کشور دیگر به عنوان هدف تحریم، به منظور مجازات این کشورها، با اهداف محروم ساختن آنها از انجام برخی مبادلات یا وادار ساختن آنها به پذیرش هنجارهایی معین و مهم از دید مجریان تحریم، اعمال می‌شود. در اینجا منظور از «مجری تحریم» کشوری یا گروهی بین‌المللی است که نویسنده سناریوی تحریم باشد، هرچند ممکن است در اعمال محاصره بیش از یک کشور شرکت داشته باشد و منظور از «هدف» کشور یا کشورهایی است که هدف اصلی تحریم واقع می‌شوند. اما تحریم‌های اقتصادی، هرگونه اعمال محدودیتی است که بر تجارت و سرمایه‌گذاری بین‌المللی کشور هدف، در راستای وادار ساختن به تغییر سیاست یا نظام سیاسی یا نابودی ملتی و مانند آنها وضع می‌شود. از نظر قرآن، دشمنان همواره در اندیشه این هستند تا مومنان را به تسلیم وا داشته و آنان را از مسیر حق و حقانیت و دفاع از عدالت و قیام و اجرای آنان باز دارند. همچنین تمام تلاش دشمنان این است که مومنان را از مواضع اصولی خویش از جمله حمایت از مظلومان و مستضعفان عالم در برابر ظالمان و مستکبران باز دارند، در حالی که این امور از مهم‌ترین مواضع دولت وامت ولایی در سیاست خارجی است. [جواهر دهی، ۱۳۹۷]

حال، با نگاهی اعجاز گونه به بررسی سوره یوسف آیات ۵۷، ۵۶، ۵۵ و همچنین سوره بقره آیات ۲۴۷، ۲۴۶ در زمینه مدیریت می‌پردازیم که چشم انداز و راه‌گشایی برای ما باشد در مواجهه با تحریم‌های مستکبران:

"قَالَ اجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ. وَكَذَلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ يَتَّبِعُوا مِنْهَا حَيْثُ يَشَاءُ نُصِيبُ

بِرَحْمَتِنَا مَنْ نَشَاءُ وَلَا نُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ. وَ لَأَجْرُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ آمَنُوا وَ كَانُوا يَتَّقُونَ [یوسف، ۵۷، ۵۶، ۵۵]

#### ترجمه:

گفت خزینه‌های این سرزمین را به من بسپار که من نگهدار و دانایم. بدینسان یوسف را در آن سرزمین تمکن دادیم که در آن هر کجا که می‌خواست مقام می‌گرفت، ما رحمت خویش را به هر که بخواهیم می‌رسانیم، و پاداش نیکوکاران را تباه نمی‌کنیم و پاداش آخرت برای کسانی که ایمان آورده و پرهیزگاری کرده‌اند بهتر است. [طباطبایی، ۱۳۷۴]

#### بررسی آیات:

در تفسیر مجمع‌البیان و المیزان از نوع عملکرد یوسف (علیه السلام) اینگونه یاد می‌شود: وقتی قحط سالی شروع شد؛ حضرت یوسف در سال اول، گندم را با طلا و نقره، در سال دوم، گندم را در مقابل جواهر و زیورآلات، در سال سوم، گندم را با چهارپایان، در سال چهارم، گندم را در مقابل برده‌ها، در سال پنجم، گندم را با خانه‌ها، در سال ششم، گندم را با مزارع و در سال هفتم، گندم را با برده گرفتن خود مردم معامله نمود. وقتی سال هفتم به پایان رسید، به پادشاه مصر گفت: همه‌ی مردم و سرمایه‌هایشان در اختیار من است، ولی خدا را شاهد می‌گیرم و تو نیز گواه باش، که همه‌ی مردم را آزاد و همه‌ی اموال آنان را برمی‌گردانم و کاخ و تخت و خاتم (مهر و انگشتر) تو را نیز پس می‌دهم. حکومت برای من وسیله‌ی نجات مردم بود، نه چیز دیگر، تو با آنان به عدالت رفتار کن. [قرائتی، ۱۳۸۸]

در روایتی از امام رضا (علیه السلام) آمده است: یوسف (علیه السلام) در هفت سال اول، گندم‌ها را جمع‌آوری و ذخیره می‌کرد و در هفت سال دوم که قحطی شروع شد، آنها را به تدریج و با دقت در اختیار مردم، برای مصارف روزمره زندگی‌شان قرار می‌داد و با دقت و امانتداری، کشور مصر را از بدبختی نجات داد. یوسف در هفت سال دوره‌ی قحطی، هرگز با شکم سیر زندگی نکرد، تا مبادا گرسنگان را فراموش کند. [طبرسی، ۱۳۷۲]

بهره‌گیری از اعجاز موجود در آیه فوق برای گزینش افراد [قرائتی، ۱۳۸۸]:

۱. هر جا لازم باشد، باید داوطلب مسئولیت‌های حساس شد: قَالَ اجْعَلْنِي ...

۲. نبوت، از حکومت و سیاست جدا نیست، همچنان که دیانت، از سیاست جدا نیست: اجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ.

۳. در به کارگیری افراد لایق، علاقه شخصی او در نظر گرفته شود: اجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ ...

۴. ابتدا احراز شایستگی، سپس درخواست مسئولیت: اُسْتُخْلَصُهُ ... اجْعَلْنِي ...

۵. وقتی در کاری مهارت دارید، اعتماد به نفس داشته باشید و خود را عرضه کنید: اجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ.

۶. در هر موقعیتی که فرد قرار دارد باید به نظرات افراد پایین‌تر و مشاوران امین توجه داشته باشد. (عزیز مصر به پیشنهاد یوسف که گفت: اجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ، توجه کرد و آن را پذیرفت.)

۷. تابعیت منطقه‌ای، اصل نیست. یوسف مصری نبود، ولی در حکومت مصر وارد شده و مسئولیت گرفت. (ملی‌گرایی، ممنوع) اجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ.

۸. به هنگام ضرورت، بیان لیاقت و شایستگی خود، منافاتی با توکل و زهد و اخلاص ندارد: انی حَفِیْظٌ عَلِیْمٌ.

۹. از مجموعه دو وصفی که پادشاه از یوسف (علیه السلام) بیان کرد؛ «مَکِیْنٌ، أَمِیْنٌ» و دو صفتی که یوسف برای خود بیان نمود؛ «حَفِیْظٌ، عَلِیْمٌ» اوصاف کارگزاران شایسته به دست می‌آید: قدرت، امانت، پاسداری و تخصص.

۱۰. در برنامه‌ریزی و نظارت بر مصرف، باید سهم نسل آینده حفظ و مراعات شود: حَفِیْظٌ عَلِیْمٌ.

و همچنین در انتخاب و گزینش افراد، به معیارهای قرآنی توجه کنیم. علاوه بر «حَفِیْظٌ و عَلِیْمٌ» بودن، معیارهای دیگری در قرآن ذکر شده است، [قرآنی، ۱۳۸۸] از آن جمله:

۱. ایمان. «أَفَمَنْ كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا لَا يَسْتَوُونَ» [سجده، ۱۸]

۲. سابقه. «وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ. أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ» [واقعه، ۱۰-۱۱]

۳. هجرت. «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يُهَاجِرُوا مَا لَكُمْ مِنْ وَلَايَتِهِمْ مِنْ شَيْءٍ» [انفال، ۷۲]

۴. توان جسمی و علمی. «وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ» [بقره، ۲۴۷]

۵. اصالت خانوادگی. «مَا كَانَ أَبُوكَ أَمْرًا سَوْءًا» [مریم، ۲۸]

۶. جهاد و مبارزه. «فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا» [نساء، ۹۵]

### ضرورت مسائل مدیریتی و اقتصادی

گرچه ما هرگز موافق مکتبهای یک بعدی که همه چیز را در بعد مدیریتی و اقتصادی خلاصه می‌کنند و انسان و ابعاد وجود او را نشناخته‌اند نیستیم، ولی با این حال اهمیت ویژه مسائل مدیریتی و اقتصادی را در سرنوشت اجتماعات هرگز نمی‌توان از نظر دور داشت، آیات فوق نیز اشاره به همین حقیقت می‌کند، چرا که یوسف از میان تمام پست‌ها انگشت روی خزانه داری گذاشت، زیرا می‌دانست هر گاه به آن سر و سامان دهد قسمت عمده نابسامانیهای کشور باستانی مصر، سامان خواهد یافت، و از طریق عدالت اقتصادی و مدیریت صحیح می‌توان سازمانهای دیگر را کنترل کند. در روایات اسلامی نیز اهمیت فوق العاده‌ای به این موضوع داده شده است از جمله در حدیث معروف علی (ع) یکی از دو پایه اصلی زندگی مادی و معنوی مردم (قوام الدین و الدنیا) مسائل اقتصادی و مدیریتی قرار داده شده است، در حالی که پایه دیگر علم و دانش و آگاهی شمرده شده است. گرچه مسلمین تا کنون اهمیتی را که اسلام به این بخش از زندگی فردی و اجتماعی داده نادیده گرفته‌اند، و به همین دلیل از دشمنان خود در این قسمت عقب مانده‌اند، اما بیداری و آگاهی روز افزونی که در قشرهای جامعه اسلامی دیده می‌شود، این امید را به وجود می‌آورد که در آینده کار و فعالیتهای اقتصادی و مدیریتی را به عنوان یک عبادت بزرگ اسلامی تعقیب کنند و با نظام صحیح و حساب شده عقب‌ماندگی خود را از دشمنان بی‌رحم اسلام از این نظر جبران نمایند.

ضمناً تعبیر یوسف که می‌گوید "انی حَفِیْظٌ عَلِیْمٌ" دلیل بر اهمیت مدیریت در کنار امانت است، و نشان می‌دهد که پاکی و امانت به تنهایی برای پذیرش یک پست حساس اجتماعی کافی نیست بلکه علاوه بر آن آگاهی و تخصص و مدیریت نیز لازم

است، چرا که "علیم" را در کنار "حفیظ" قرار داده است و ما بسیار دیده‌ایم که خطرهای ناشی از عدم اطلاع و مدیریت کمتر از خطرهای ناشی از خیانت نیست بلکه گاهی از آن برتر و بیشتر است! با این تعلیمات روشن اسلامی نمی‌دانیم چرا بعضی مسلمانان به مساله مدیریت و آگاهی هیچ اهمیت نمی‌دهند و حد اکثر کشش فکر آنها در شرائط واگذاری پستها، همان مساله امانت و پاکی است با اینکه سیره پیامبر ص و علی ع در دوران حکومتشان نشان می‌دهد، آنها به مساله آگاهی و مدیریت همانند امانت و درستکاری اهمیت می‌دادند. [مکارم شیرازی، ۱۳۷۱]

در مسائل مدیریتی و اقتصادی تنها موضوع "تولید بیشتر" مطرح نیست، گاهی "کنترل مصرف" از آن هم مهمتر است، و به همین دلیل در دوران حکومت خود، سعی کرد، در آن هفت سال وفور نعمت، مصرف را به شدت کنترل کند تا بتواند قسمت مهمی از تولیدات کشاورزی را برای سالهای سختی که در پیش بود، ذخیره نماید. در حقیقت این دو از هم جدا نمی‌توانند باشند، تولید بیشتر هنگامی مفید است که نسبت به مصرف کنترل صحیحتری شود، و کنترل مصرف هنگامی مفیدتر خواهد بود که با تولید بیشتر همراه باشد. سیاست اقتصادی یوسف ع در مصر نشان داد که یک اقتصاد اصیل و پویا نمی‌تواند همیشه ناظر به زمان حال باشد، بلکه باید "آینده" و حتی نسلهای بعد را نیز در بر گیرد، و این نهایت خودخواهی است که ما تنها به فکر منافع امروز خویش باشیم و مثلاً همه منابع موجود زمین را غارت کنیم و به هیچوجه به فکر آیندگان نباشیم که آنها در چه شرائطی زندگی خواهند کرد، مگر برادران ما تنها همینها هستند که امروز با ما زندگی می‌کنند و آنها که در آینده می‌آیند برادر ما نیستند. جالب اینکه از بعضی از روایات چنین استفاده می‌شود که یوسف برای پایان دادن به استعمار طبقاتی و فاصله میان قشرهای مردم مصر، از سالهای قحطی استفاده کرد، به این ترتیب که در سالهای فراوانی نعمت مواد غذایی از مردم خرید و در انبارهای بزرگی که برای این کار تهیه کرده بود ذخیره کرد، و هنگامی که این سالها پایان یافت و سالهای قحطی در پیش آمد، در سال اول مواد غذایی را به درهم و دینار فروخت و از این طریق قسمت مهمی از پولها را جمع آوری کرد، در سال دوم در برابر زینتها و جواهرات (البته به استثنای آنها که توانایی نداشتند) و در سال سوم در برابر چهارپایان، و در سال چهارم در برابر غلامان و کنیزان، و در سال پنجم در برابر خانه‌ها، و در سال ششم در برابر مزارع، و آبها، و در سال هفتم در برابر خود مردم مصر، سپس تمام آنها را (به صورت عادلانه‌ای) به آنها بازگرداند، و گفت هفتم این بود که آنها را از بلا و نابسامانی رهایی بخشم [طبرسی، ۱۳۷۲]. بدون شک تعریف خویش کردن کار ناپسندی است، ولی با این حال این یک قانون کلی نیست، گاهی شرائط ایجاب می‌کند که انسان خود را به جامعه معرفی کند تا مردم او را بشناسند و از سرمایه‌های وجودش استفاده کنند و بصورت یک گنج مخفی و متروک باقی نماند. در آیات فوق نیز خواندیم که یوسف به هنگام پیشنهاد پست خزانه داری مصر خود را با جمله "حفیظ علیم" ستود، زیرا لازم بود سلطان مصر و مردم بدانند که او واجد صفاتی است که برای سرپرستی این کار نهایت لزوم را دارد. لذا در تفسیر عیاشی از امام صادق (علیه السلام) می‌خوانیم که در پاسخ این سؤال که آیا جایز است انسان خودستایی کند و مدح خویش نماید؟ فرمود:

نعم اذا اضطر اليه اما سمعت قول يوسف اجعلني على خزائن الأرض اني حفيظٌ علیمٌ و قول العبد الصالح و انا لكم ناصحٌ أمينٌ

: "آری هنگامی که ناچار شود مانعی ندارد آیا نشنیده‌ای گفتار یوسف را که فرمود: مرا بر خزائن زمین قرار ده که من امین و آگاهم، و همچنین گفتار بنده صالح خدا (هود) من برای شما خیرخواه و امینم [حویزی، ۱۴۱۵ ه.ق]، و از اینجا روشن می‌شود اینکه در خطبه "شقشقیه" و بعضی دیگر از خطبه‌های نهج البلاغه علی ع به مدح خویشتن می‌پردازد و خود را محور آسیای خلافت می‌شمرد، که همای بلند پرواز اندیشه‌ها به اوج فکر و مقام او نمی‌رسد، و سیل علوم و دانشها از کوهسار وجودش سرازیر می‌شود، و امثال این تعریفها همه برای این است که مردم ناآگاه و بیخبر به مقام او پی‌برند و از گنجینه وجودش برای بهبود وضع جامعه استفاده کنند. [مکارم شیرازی، ۱۳۷۱]

بسیاری از مردم نیکوکار در همین جهان به پاداش مادی خود می‌رسند، همانگونه که یوسف نتیجه پاکدامنی و شکیبایی و پارسایی و تقوای خویش را در همین دنیا گرفت، که اگر آلوده بود هرگز به چنین مقامی نمی‌رسید. ولی این سخن به آن معنی نیست که همه کس باید چنین انتظاری را داشته باشند و اگر به پاداشهای مادی نرسند گمان کنند به آنها ظلم و ستمی شده، چرا که پاداش اصلی، پاداشی است که در زندگی آینده انسان، در انتظار او است و شاید برای رفع همین اشتباه و دفع همین توهّم است که قرآن در آیات فوق بعد از ذکر پاداش دنیوی یوسف اضافه می‌کند وَ لَأَجْرُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِلَّذِينَ آمَنُوا وَ كَانُوا يَتَّقُونَ: "پاداش آخرت برای آنان که ایمان دارند و تقوی پیشه کرده‌اند برتر است". [مکارم شیرازی، ۱۳۷۱]

## عوامل حیات و مرگ ملت‌ها

تاریخ، اقوام و ملت‌های گوناگونی را به ما نشان می‌دهد: گروهی را که آخرین مراحل ترقی را به سرعت طی کردند و گروهی را که به پائین‌ترین مرحله انحطاط رسیدند، گروه سومی که یک روز پراکنده و وامانده و شکست‌خورده بودند، اما روز دیگر نیرومند و سربلند شدند، گروه چهارمی که به عکس از عالی‌ترین مرحله افتخار به قعر دره ذلت و خواری سقوط کردند. بسیاری از کسانی که از برابر صحنه‌های مختلف تاریخ به آسانی می‌گذرند، بدون اینکه کمترین اندیشه‌ای در آن کنند، و نیز بسیاری از کسانی که به جای بررسی علل و عوامل اصلی و زیربنایی حیات و مرگ ملت‌ها، گناه را به گردن عوامل کم اهمیت که نقش اساسی را به عهده ندارند و یا عوامل موهوم و خرافی و خیالی می‌اندازند. بسیاری تمام علت بدبختی خود را به بیگانگان و سیاست‌های مخرب آنها نسبت می‌دهند و عده‌ای همه این حوادث را مولود گردش موافق و مخالف افلاک می‌پندارند سرانجام عده‌ای دست به دامن قضا و قدر- به مفهوم تحریف یافته‌اش- و یا شانس و طالع و اقبال می‌زنند و همه حوادث تلخ و شیرین را از این طریق توجیه می‌کنند. همه اینها برای این است که از درک علل واقعی وحشت دارند. قرآن در آیات فوق انگشت روی نقطه اصلی "دردها" و "درمانها" و عوامل پیروزی و شکست گذارده، و می‌گوید: برای یافتن عامل اصلی لازم نیست آسمانها و زمین‌ها را جستجو کنید و یا به دنبال عوامل موهوم و پنداری راه بیفتید بلکه کافی است تنها در وجود، در فکر و روحیه و اخلاق خود، و در نظامات اجتماعی خودتان جستجو کنید، هر چه هست در اینجا است! ملت‌هایی که فکر و اندیشه خود را به کار انداختند، دست اتحاد و برادری بهم دادند، سعی و تلاش و اراده و تصمیم نیرومند داشتند، و به هنگام لزوم، جانبازی و فداکاری کردند و قربانی دادند، به طور قطع پیروز شدند، اما هنگامی که رکود و سستی و تنبلی جای سعی و کوشش را گرفت، غفلت و بیخبری به جای آگاهی و تردید، و دودلی به جای تصمیم، محافظه کاری به جای شهامت، نفاق و تفرقه به جای اتحاد، تن‌پروری و خودخواهی به جای فداکاری، و تظاهر و ریاکاری به جای اخلاص و ایمان نشست، سقوط و نکبت آغاز شد. [مکارم شیرازی، ۱۳۷۱]

"أَلَمْ تَرَ إِلَى الْمَلَكِ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ مِنْ بَعْدِ مُوسَى إِذْ قَالُوا لِنَبِيِّهِمْ لَهُمْ إِبْعَثْ لَنَا مَلَكًا نُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ قَالَ هَلْ عَسَيْتُمْ أَنْ تَتَّبِعُوا عَلَى أَنْفُسِكُمْ الْقِتَالَ أَلَا تَتَّقُونَ قَالُوا مَا لَنَا أَلَّا نُقَاتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَقَدْ أَخْرَجَنَا مِنْ دِيَارِنَا وَ أَبْنَانِنَا فَلَمَّا كَتَبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالَ تَوَلَّوْا إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ وَ قَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلَكًا قَالُوا أَنَّى يَكُونُ لَهُ الْمُلْكُ عَلَيْنَا وَ نَحْنُ أَحَقُّ بِالْمُلْكِ مِنْهُ وَ لَمْ يُؤْتَ سَعَةً مِنَ الْمَالِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَ زَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَ الْجِسْمِ وَ اللَّهُ يُؤْتِي مُلْكَهُ مَنْ يَشَاءُ وَ اللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ". [بقره، ۲۴۶ و ۲۴۷]

ترجمه:

مگر داستان ان بزرگان بنی اسرائیل را نشنیدی که پس از موسی به پیامبر خود گفتند: پادشاهی برای ما نصب کن تا در راه خدا کارزار کنیم و او گفت: از خود می بینید که اگر کارزار بر شما واجب شود شانه خالی کنید؟ گفتند: ما که از دیار و فرزندان خویش دور شده ایم برای چه کارزار نمی کنیم؟ ولی همین که کارزار بر آنان مقرر شد به جز اندکی روی برتافتند و خدا به کار ستمگران دانا است. پیغمبرشان به آنان گفت: خدا طالوت را به پادشاهی شما نصب کرد گفتند: از کجا وی را بر ما سلطنت باشد که ما به شاهی از او سزاوارتریم چون او مال فراوانی ندارد گفت: خدا او را از شما سزاوارتر دیده، چون دانشی بیشتر و تنی نیرومندتر دارد، خدا ملک خویش را به هر که بخواهد می دهد که خدا وسعت بخش و دانا است. [طباطبایی، ۱۳۷۴]

## بررسی آیات:

جمعی از اشراف بنی اسرائیل از پیامبر بعد از حضرت موسی (علیه السلام) (منظور حضرت سموئیل (علیه السلام)) خواستند: در هر صورت پیامبرشان، طبق وظیفه ای که داشت به درخواست آنها پاسخ گفت، و طالوت را به فرمان خدا برای زمامداری آنان برگزید «و به آنها گفت: خداوند طالوت را برای زمامداری شما برانگیخته است» (وَ قَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ اِنَّ اللّٰهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا). از تعبیر ملکا چنین برمی آید که طالوت، تنها فرمانده لشکر نبود بلکه زمامدار کشور هم بود. از اینجا مخالفت شروع شد، گروهی گفتند: «چگونه او بر ما حکومت داشته باشد با این که ما از او شایسته تریم، و او ثروت زیادی ندارد» (قَالُوا اِنِّیْ یَكُوْنُ لَهُ الْمُلْكُ عَلَیْنَا وَ نَحْنُ اَحَقُّ بِالْمُلْكِ مِنْهُ وَلَمْ یُؤْتْ سَعَةً مِنَ الْمَالِ). در واقع آنها به انتخاب خداوند اعتراض کردند- طالوت جوانی از یک قبیله گمنام بنی اسرائیل و از نظر مالی یک کشاورز ساده بود- ولی قرآن پاسخ دندان شکنی را که ان پیامبر به گمراهان بنی اسرائیل داد چنین بازگو می کند «گفت: خداوند او را بر شما برگزیده و علم و قدرت جسم او را وسعت بخشیده» (اِنَّ اللّٰهَ اصْطَفَاهُ عَلَیْكُمْ وَ زَادَهُ بَسْطَةً فِی الْعِلْمِ وَ الْجِسْمِ).

ولی قرآن پاسخ دندان شکنی را که ان پیامبر به گمراهان بنی اسرائیل داد چنین بازگو می کند "گفت خداوند او را بر شما برگزیده و علم و (قدرت) جسم او را وسعت بخشیده" (قَالَ اِنَّ اللّٰهَ اصْطَفَاهُ عَلَیْكُمْ وَ زَادَهُ بَسْطَةً فِی الْعِلْمِ وَ الْجِسْمِ).

اینکه می بینید خداوند او را برگزیده و زمامدار شما قرار داده به خاطر این است که از نظر هوش و فرزانی و علم، پر مایه است و از نظر نیروی جسمانی، قوی و پر قدرت. یعنی اولاً این گزینش خداوند حکیم است و ثانیاً شما سخت در اشتباهید و شرایط اساسی رهبری را فراموش کرده اید، نسبت عالی و ثروت، هیچ امتیازی برای رهبری نیست چون هر دو امر اعتباری و بیرون ذاتی است، ولی علم و دانش و نیروی جسمانی دو امتیاز واقعی و درون ذاتی است که تاثیر عمیقی در مساله رهبری دارد. رهبر باید با علم و دانش خود، مصلحت جامعه ای را که در رأس ان است تشخیص دهد و با قدرت خود ان را به موقع اجرا در آورد، با علم و تدبیر خود نقشه صحیح برای پیکار با دشمن بکشد و با نیروی جسمانی ان را پیاده کند. تعبیر به "بسطه" (گسترش) اشاره به این است که وسعت وجودی انسان در پرتو علم و قدرت است، هر قدر اینها افزوده شود هستی انسان گسترده تر می شود. در اینجا گسترش علم بر گسترش نیروی جسمانی، مقدم داشته شده، زیرا شرط اول علم و آگاهی است. ضمناً از این تعبیر استفاده می شود که امامت و رهبری، گزینش الهی است، و او است که شایستگی ها را تشخیص می دهد، اگر در فرزندان پیامبر این شایستگی را ببیند امامت را در انجا قرار می دهد، و اگر در جای دیگر، در انجا قرار می دهد، و این همان چیزی است که دانشمندان شیعه به ان معتقدند و از ان دفاع می کنند. سپس می افزاید: "خداوند، ملک خود را به هر کس بخواهد می بخشد و خداوند (احسانش) وسیع و گسترده و دانا (به لیاقت و شایستگی افراد) است" (وَ اللّٰهُ یُؤْتِیْ مُلْکَهُ مَنْ یَّشَاءُ وَ اللّٰهُ وَاسِعٌ عَلِیْمٌ). این جمله ممکن است اشاره به شرط سومی برای رهبری باشد و ان فراهم شدن امکانات و وسائل مختلف از سوی خدا است زیرا ممکن است رهبری از نظر علم و قدرت کاملاً پر مایه باشد ولی در شرائط و ظرفی قرار گیرد که هیچگونه



آمادگی برای پیشرفت اهداف او نداشته باشد، مسلماً چنین رهبری به پیروزی درخشانی نخواهد رسید، قرآن می‌گوید: خدا حکومت الهی را به هر کس بخواهد می‌بخشد یعنی شرایط و وسائل لازم را برای او فراهم می‌سازد (این سخن ممکن است دنباله کلام ان پیامبر باشد و یا از کلام خداوند در قرآن). [مکارم شیرازی، ۱۳۷۱]

در آیه بعد، مساله رویارویی دو لشکر مطرح شده، می‌فرماید: "به هنگامی که آنها (لشکر طالوت و بنی اسرائیل) در برابر جالوت و سپاهیان او قرار گرفتند گفتند: پروردگارا! صبر و استقامت را بر ما فرو ریز و گامهای ما را استوار بدار، و ما را بر جمعیت کافران پیروز گردان" (وَلَمَّا بَرَزُوا لِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالُوا رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَثَبِّتْ أَدْمَانَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ). "برزوا" از ماده "بروز"، به معنی ظهور است، و از آنجا که وقتی انسان در میدان جنگ، آماده و ظاهر می‌شود، ظهور و بروز دارد به این کار، مبارزه یا "براز" می‌گویند. این آیه می‌گوید: هنگامی که طالوت و سپاه او، به جایی رسیدند که لشکر نیرومند جالوت، نمایان و ظاهر شد، و در برابر آن قدرت عظیم صف کشیدند، دست به دعا برداشتند و از خداوند سه چیز طلب کردند، نخست صبر و شکیبایی و استقامت، در آخرین حد آن، لذا تعبیر به "أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا" کردند که از ماده "افراغ" به معنی ریختن آب یا ماده سیال دیگر از ظرف، به طوری که ظرف کاملاً خالی شود، نکره بودن "صبر" نیز تأکیدی به این مطلب است. تکیه بر ربوبیت پروردگار "ربنا" و تعبیر به افراغ که به معنی خالی کردن پیمانه است، و تعبیر به "علی" که بیانگر نزول از طرف بالا است و تعبیر به "صبرا" که در این گونه موارد دلالت بر عظمت دارد، هر کدام نکته‌ای در بر دارد که مفهوم این دعا را کاملاً عمیق و پر مایه می‌کند. دومین تقاضای آنها از خدا این بود که گامهای ما را استوار بدار تا از جا کنده نشود و فرار نکنیم، در حقیقت دعای اول جنبه باطنی و درونی داشت و این دعا جنبه ظاهری و برونی دارد و مسلماً ثبات قدم از نتایج روح استقامت و صبر است. سومین تقاضای آنها این بود که "ما را بر این قوم کافر یاری فرما و پیروز کن" که در واقع هدف اصلی را تشکیل می‌دهد و نتیجه نهایی صبر و استقامت و ثبات قدم است. [مکارم شیرازی، ۱۳۷۱]

راهبرد های مدیریتی در مواجهه با تحریم [پورنگ، اقاپور، ۱۳۹۱]، [هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۳] :

#### ۱. برخورداری مؤمنان، از حق مشارکت در امور جامعه:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ... وَ لَتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ .... [ال عمران، ۱۰۴]

گسترش مشارکت مردمی و فراهم کردن کار برای شهروندان یک ایده راهبردی مبتنی بر این واقعیت است که تصور اشتغال کامل همه افراد، پذیرفتنی نیست. ایده مذکور، به تقویت بستر های سازمانی در مشارکت مردمی اشاره دارد. همچنین، به طور جدی، روحیه مشارکت گرایی را ترویج کرده است و بر این اساس، زمینه را برای پاداش دادن به فعالیت های مدنی آماده می کند. هر چند هدف آن، جبران کامل ناکامی ها در بازار کار نیست، اما به تقویت اعتماد به نفس شهروندان و انسجام اجتماعی کمک می کند.

#### ۲. اجتناب از فسادگری در روی زمین، اقتضای برخورداری از نعمت و تفکر در آن:

وَ اذْكُرُوا إِذْ جَعَلَكُمْ خُلَفَاءَ مِنْ بَعْدِ عَادٍ وَ بَوَّأَكُمْ فِي الْأَرْضِ تَتَخَذُونَ مِنْ سُهُولِهَا قُصُورًا وَ تَنْحِتُونَ الْجِبَالَ بُيُوتًا فَاذْكُرُوا آلَاءَ اللَّهِ وَ لَا تَعْتَوْا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ. [اعراف، ۱۰۴]

آغاز مبارزه ای موثر علیه فساد، پیش فرض این ایده راهبردی این است که آغاز مبارزه ای موثر علیه فساد، هرگز بدون مشارکت مطلوب سیاستمداران میسر نیست. مشارکت سیاستمداران در این مبارزه، تنها زمانی امکان پذیر است که سازمان های مدنی، کنترل و نظارت عمومی را بر فرایندهای تصمیم گیری در مسائل عمومی جامعه گسترش دهند و از این طریق، عوامل فساد در درون احزاب سیاسی را مهار کنند. در این صورت، می توانند این استراتژی را به مثابه عامل همکاری و نیز عامل مخالفت با سازمان های اداری دولت و نیز حکومت های محلی به کار گیرند.

### ۳. ترغیب اهل ایمان به ثبات قدم و استواری و اعتماد به نفس، در رویارویی با دشمن:

وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ إِنْ يَمْسَسْكُمْ قَرْحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ قَرْحٌ مِثْلُهُ... [آل عمران، ۱۳۹ و ۱۴۰]

حمایت از گسترش های خود باوری ملی و اعتماد به نفس، بیشتر در خودباوری شهروندان ریشه دارد و آن را با اثبات تر می کند. گسترش خودباوری شهروندان، ریشه در اتخاذ کاربردهای گسترده و ممکن برای اصول جامعه باز دارد و تنها از این طریق می توان هویت ملی را تقویت کرد. همچنین، دولت ها و ایالت ها و شهرها با تشویق فعالیت های خودجوش شهروندان و حمایت از آن، به گسترش بیشتر فعالیت های فرهنگی و هنری و دیگر فعالیت های خاص، کمک می کنند. به علاوه، همکاری با رسانه ها برای تقویت پایه های خودباوری ملی و اعتماد به نفس شهروندان، ضرورتی اجتناب ناپذیر است.

### ۴. اصلاح امور مؤمنان صالح، از سوی خداوند:

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَآمَنُوا بِمَا نَزَلَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَهُوَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ كَفَّرَ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَأَصْلَحَ بَالَهُمْ. [محمد، ۲]

اصلاح مدیریت متمرکز دولتی: هدف از این ایده راهبردی، تغییر در نقش مدیریت متمرکز دولتی از حالت بسیار فراگیر به نقشی است که بر مبنای چگونگی و میزان خدمت به شهروندان تعیین می شود. البته همواره باید بر ترویج و مشاهده نظم در ساختار سازمانی آن تاکید کرد. این ایده، بسیار راهبردی و ضروری است و متشکل از چند حرکت در هم تنیده و متقابل است: تحول ساختارهای فرایندی، تغییر ساختارهای سازمانی، دگرگونی روش های کار، افزایش مهارت کارمندان و تغییر نگرش های کاری. از آنجا که محور این اصلاح، مدیریت متمرکز دولتی است، ضرورت دارد فرایند اجرایی این ایده راهبردی را سایر کنشگران تضمین کنند. در این نمونه خاص، چنین کاری بر عهده مجلس و دولت است.

### نتیجه گیری

اعجاز مدیریتی قرآن پرده از استفاده صحیح از منابع و امکانات حداقلی یک ملتی که دچار تحریم شده است را برداشته است. که یک ملت با ایمان راسخ، اتحاد و خودباوری حقیقی می تواند کید دشمنان خود را بشکند و ملتی که با رهنمودهای قرآنی همسو شود هیچگاه شکست نمیخورد و در سوره یوسف و بقره در زمینه مدیریت صحیح و ضرورت آن، نظارت الگوی مصرف و ویژگی های انتخاب افراد برای رهبری یک جامعه و.... رهنمود داده است و با بهره گیری از این رهنمودها برای مقابله با تحریم آمده شد و ملتی که برای رفاه و آسایش خویش تسلیم تحریم های کشور های مستکبر شد جز بدبختی و خواری چیزی نصیبش نمیگردد و مدیران و زمامداران یک جامعه با بهره گیری از رهنمودهای قرآنی، ایمان به خدا و جلوگیری از هر گونه فساد میتواند پیروزی و سربلندی مردم خود را به ارمغان آورند و در مواجهه با تحریم های ظالمانه مستکبران همواره پیروز باشند.

## منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. رضایی اصفهانی، م.ع، (۱۳۹۲)، علوم قرآن ۲ اعجاز قرآن در علوم طبیعی و انسانی، ص ۴۱۴، ۲۶۵، ۲۶۴، مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص)، قم، ایران.
۴. عمید، ح. (۱۳۶۳). فرهنگ فارسی، ج ۳، ص ۳۹۷۳، انتشارات امیر کبیر، تهران.
۵. جولیوس گولد - ویلیام ل. کولب، (۱۳۹۲)، مترجم: زاهدی، م.ج، فرهنگ اجتماعی قرآن، ص ۷۶۶، نشر مازیار، تهران، ایران.
۶. نبوی، م.ح. (۱۳۹۵)، مدیریت اسلامی، ص ۳۲، بوستان کتاب، قم، ایران.
۷. هاشمی رفسنجانی، ا. (۱۳۸۳)، فرهنگ قرآن، بوستان کتاب، قم، ایران.
۸. جواهردهی، ع. (۱۳۹۷)، نقش تحریم ها در اقتصاد مستقل از نگاه قرآن، روزنامه کیهان، شماره ۲۱۹۶۴، تهران، ایران.
۹. طباطبایی، م.ح. (۱۳۷۴). ترجمه تفسیر المیزان، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ایران.
۱۰. قرائتی، م. (۱۳۸۸)، تفسیر نور، ج ۴، ص ۲۳۲، نشر مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، تهران، ایران.
۱۱. طبرسی، ف. (۱۳۷۲)، مجمع البیان، ج ۵، ص ۲۴۴ و ج ۱۲، ص ۲۴۷، نشر ناصر خسرو، تهران، ایران.
۱۲. مکارم شیرازی، ن. (۱۳۷۱)، تفسیر نمونه، دارالکتاب اسلامی، تهران، ایران.
۱۳. حویزی، ع.ع. (۱۴۱۵ ه.ق)، تفسیر نور الثقلین، ج ۲، ص ۴۳۳، نشر اسماعیلیان، قم، ایران.
۱۴. پورنگ، ح-اقاپور، ع. (۱۳۹۱)، مقالاتی در باب آینده نگری، ص ۸۱، ۸۲، دبیر خانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، تهران، ایران.

## نرم افزار پژوهشی:

۱. جامع التفاسیر نور: مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور.